

قطعه قناری ها

جبار قدیمی



انتشارات مینوفر
Minufar.ir

مشهد مقدّس - ۱۳۹۶

سرشناسه	: قدمی، جبار، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: قطعه قناری‌ها/جبار قدمی.
مشخصات نشر	: مشهد: مینوفر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۹۰ ص.
شابک	: ۰۰۳-۶-۹۷۸-۶۰۰۰-۴۷۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۱۷۴ / ق۶۴۷۳۲ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۶۳/۸۱۶۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۸۹۶۴۳

عنوان کتاب: قطعه قناری‌ها	
نویسنده: جبار قدمی	
طراح جلد: مینوفر	صفحه ران: ن رحمان پور
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶	شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قطع: رقعی	چاپ و صحافی: مینوفر
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان	شابک: ۰۰۳-۶-۹۷۴-۶۰۰۰-۴۷۴

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

مشهد مقدس، بلوار جلال آل احمد ۶۹ پ ۱۱۶، ص.ب: ۹۱۸۹۵-۱۷۵۵

همراه: ۰۹۳۵۲۱۶۲۷۵۵ - تلفن و دورنگار: ۰۵۱-۳۸۳۲۳۵۵۳

سایت: www.minufar.ir - ایمیل: minufar@yahoo.com



فهرست مطالب

- ۱۱..... «به عنوان مقدمه»
- ۱۴..... «از غم بگریز و اگر عشق نبود»
- ۱۶..... بر نمی آید ز عالم دست، لال سوخته
- ۱۷..... مثل یک برگ که از شاخه جدا افتادم
- ۱۸..... استخوان بود ولی نه بگری آردنا
- ۱۹..... آه دارم داغ داغ ها! سراغ گر باشد
- ۲۰..... در تب و دلهره کشف و شهودم بی تو
- ۲۱..... باز بی پروا در آغوشم مکش
- ۲۲..... من هوای جاده های خسته ی سرخورده ام
- ۲۳..... دیشب که حضور یار در من روید
- ۲۴..... نیمه ای از من جدا شد کی بفهمد کی بداند

- کوچ اشعار بی صدای من..... ۲۵
- چشم هایت بوی رفتن می دهد..... ۲۶
- حاصلم اینجا حوصله م آنجاست..... ۲۷
- بی کشد مرا او تا، ساحلی که در من نیست..... ۲۸
- در جش سبب و شوق که هر مرد بر قصد..... ۲۹
- نیست در بال پر بدر در حدود انتظار..... ۳۰
- باز کن پر مرا تا که مرا ۳۱
- صبح در کوچه ما دامن باران تا ش ۳۲
- بهاری بودو من خسته که کی چنین نقره می ریزد..... ۳۳
- در باغ گل مکار به وجد نمی کشد..... ۳۴
- یک یک تمام عطرها را می بری بزن..... ۳۵
- من بی نصیبم این مال من است..... ۳۶
- ای عشق گواهی بده توفانی مارا..... ۳۷
- آری که به خورشید ترین چشمانت..... ۳۸

- ۳۹.....بلدانشته است به احیای صبحدم
- ۴۰.....نمی دیدند انسان جان بگیرد
- ۴۲.....رفته بودم که مگر وایکنم چشمش را
- ۴۳.....امش هم شور در دف می زند
- ۴۴.....ایان دم از زویش که در غم پیچی ام
- ۴۵.....مابه آشوب در دهره عادت داریم
- ۴۶.....غروب سرد خرداد بینا
- ۴۷.....تاهوای خنده هایت می رسد
- ۴۸.....به صرافت که نبودم به شما دل دادم
- ۴۹.....شب وروزم که در آغاز تماشایی بود
- ۵۰.....برروی سرم سایه همواره فرهست
- ۵۱.....هر روز نشستم که بینم با تو
- ۵۲.....مثل آبرو عزیز، مثل آرزو غریب
- ۵۳.....شرم کردی شور درمن کاشتی

- چشم های در بدر با نبض های آخرین..... ۵۴
- ای شعر شعر خوب شب جشنواره ام..... ۵۵
- گرچه در وصف تو من کم نیستم..... ۵۶
- در باغ جهان نیست بجز دسته کلاغی..... ۵۷
- یک ذره از زناک ، خیالت نمی رود..... ۵۸
- سوگند به لبخند اگر گریه کنم..... ۵۹
- آه از این روزن با فاصله ۶۰
- نه پای رفتنم هست نه پایه ای به ای باب..... ۶۱
- ایمان پرنده ایست به چشم شما نشسته است..... ۶۲
- تا سینه ی وحشی تلاطم پا زد..... ۶۳
- دستها میگرددو بیراه نیست..... ۶۵
- دست نامحرم و چشمان به داس آلوده..... ۶۶
- از خاطرات دیشب اروند ، دل مارا..... ۶۷
- بی تو زمین و آسمان از منظرم خالیست..... ۶۸

- ۶۹..... تردید مکن پای مرا با خودت ببر
- ۷۰..... تازه تازه برگ ها را پاره پاره کرد باد
- ۷۱..... چشمهایش خیس قلبش بود دستهایش خیس آزاد
- ۷۲..... سب بود وغم وصال با من بود
- ۷۳..... مثل قاربی یا تل آینه زلال
- ۷۴..... به زخمه های زخم دل عجیب تکیه می کنی
- ۷۵..... دستی تکان خورده رواق پنجره آنسو
- ۷۶..... باد و نی و شبانه، زبانه ای که خنید
- ۷۷..... شب ها که زخود می بردم خواب لاله ها
- ۷۸..... خورشید نه با چیدن اعداد زاده شد
- ۷۹..... چشم گشتم در تماشا گم شدم
- ۸۰..... چون غنچه تور را چاک چاک خواهد کرد
- ۸۱..... می خواست اینکه فرد زندگی کند
- ۸۲..... بی سرشده سربازی بردامن مولایی

- ۸۳..... بر سر تنهایی ما سایه هاتان کم شده ست
- ۸۴..... دلگرمی این روزهای غم نوردها
- ۸۵..... گم شدم در باغ سراغم مگیر
- ۸۶..... دستای تو نمی بالند بر پهلوی هماره
- ۸۷..... من غریب و حاده ها را می شناسم
- ۸۸..... لنگ لنگاز بر طاو آسمان